

## نخل از پا افتاده

سیدمصطفی آرنگ

مرغی که به خون تپیده، گو پر چه کند؟  
نخلی که ز پا افتاده او، بر چه کند  
با فاطمه، خانه علی روشن بود  
در خانه بی فاطمه، حیدر چه کند؟

---

## فاطمه

بیژن ارژن

نامی است که در ذهن همه خواهد ماند  
در بین سکوت و همهمه خواهد ماند  
او فاطمه است و مثل او نیست کسی  
او فاطمه است و فاطمه خواهد ماند

---

## حرمت

بیژن ارژن

در باز شده است و کار ما بسته شده است  
انگار که درهای دعا بسته شده است  
درهای جهان، دو لنگه دارند - یکی  
به حرمت پهلوی شما بسته شده است!

## گم شد

بیژن ارژن

انگار گل سفید مریم گم شد  
یا خاتم بی‌بدیل خاتم گم شد  
یک فاطمه بود و یک علی، فاطمه رفت  
یک مصرع شاه بیت عالم گم شد!

---

## خدا می‌داند

سیدرضا مؤید

زهره چه فرشته است؟ خدا می‌داند  
او از چه سرشته است؟ خدا می‌داند  
بین در و دیوار از آن ضرب لگد  
بر او چه گذشته‌ست خدا می‌داند...

---

## شمع آتش

سیدرضا مؤید

تا آتش جاهلیت افروخته شد  
آیات خدا در آن میان سوخته شد  
ای وای به حال آن که پشت در بود!  
وقتی در و دیوار به هم دوخته شد...

---

## مأیوس

جعفر رسولزاده

بیمار مدینه، غم فراوان دارد  
می‌نالد و گریه‌ها به دامن دارد  
مظلوم‌تر از همیشه، از جان مأیوس  
این شمع، سحر نگشته پایان دارد

---

## تشییع

محمد موحدیان

امشب دل تنگ کوچه‌ها می‌گیرد  
یک کوه خموش و بی‌صدا می‌گیرد  
تشییع تمام آرزوهای علی‌ست  
تابوت به حال مرتضی می‌گیرد

---

## قبر پنهان تو

سیدهاشم وفایی

تا گوهر مهر تو، به گنجینه ماست  
روشن ز ولایت تو آئینه ماست  
گر قبر تو پنهان ز نظرهاست، چه غم  
امروز عزاخانه تو سینه ماست

---

## در آتش خجالت مي سوخت

جعفر رسولزاده

با ظلمت ساپه‌ها به هم پيوستند

آيينه سينه تو را بشكستند

ديوار در آتش خجالت مي سوخت

آن روز كه دست مرتضي را بستند

-----

## پاداش اين بود؟

سيد فضل الله طباطبائي

يا فاطمه، داغ پدري سنگين بود

پهلوي شكسته‌ات چرا خونين بود؟

«لا استلکم عليه اجرا...» نشنيد؟

پاداش رسالت محمد اين بود؟!

-----

## احترام

امير حسين مؤمني

اي آن كه بود علي امامت، زهرا

خلقت همه مي‌کند سلامت، زهرا

مي‌خواست خدا كه سوره‌ات چون عمرت

كوتاه شود به احترامت، زهرا

-----

## خون دل

محمدجواد غفورزاده (شفق)

چون سنگدلان، فاطمه را آزدند  
گلهاي مدینه، خون دل مي خوردند  
هرگز به کسي نگفت محسن به کجاست؟  
مي گفت علي را به چه حالي بردند...

---

## معما

سيدمحمد باباميري

اين سوز و گداز تو معماي من است  
سجاده راز تو معماي من است  
اين شيوه، قيام يا رکوع است؟ بگو  
چنديست نماز تو معماي من است...

---

## راز

سيدمحمد باباميري

دل خسته زنده بودني، فاطمه جان  
امروز پر از سرودني، فاطمه جان  
از خنده عاشقانهات معلوم است  
آماده پر گشودني، فاطمه جان

---

## خورشید گرفت

محمود تاري

شب، راه بر آئینه توحيد گرفت  
بر ظلمت خویش، مهر تأیید گرفت  
ميخواند دل علي نماز آیات  
آن روز که در مدینه خورشید گرفت

---

## عمر گل

سیدمهدی حسینی

در هر نفس نسیم، بوی آه است  
در شبنم - اشک گل - تبي جانگاہ است  
چون بي تو چمن صفا ندارد، اي گل  
عمر همه گلهاي جهان کوتاه است

---

## هستي من

سیدمحمد بامیري

اي قوم! اگر دار و ندارم ببرید  
با ضرب غلاف اگر قرارم ببرید  
حیدر همه هستي من و جان من است  
او را به خدا نميگذارم ببرید!

---

## راز نهفته

سیدمهدی حسینی

زخمی است شکفته مانده در سینه چاه

طوفانی، خفته مانده در سینه چاه

لبریز غمی به وسعت تاریخ است

رازی که نهفته مانده در سینه چاه

-----

## رعد

سیدمهدی حسینی

در آتش نمرود، خلیلی پیداست

تصویر غمی به چرخ نیلی پیداست

هرچند که در حجاب، ابر است نهان

بر گونه ماه، رعد سیلی پیداست!

-----

## شرح اندوه

تقی براتی

می‌بست علی چو بندهای کفنش

می‌سوخت جهانی ز غم سوختنش

زهرا ز کفن دو دست آورد برون

افکند به گردن حسین و حسنش

-----

## ماه گرفت

محمدعلي مجاهدي

گویند که: چون خصم بر او راه گرفت  
بر فاطمه راه، خصم گمراه گرفت  
برخاست خروش از همه عالم که: بلال  
برخیز و برو اذان بگو، ماه گرفت!

---

## مادر عباس

آن که دستش پینه از دستاس داشت  
بهر بابا بوي عطر ياس داشت  
عصر عاشورا کنار علقمه  
روي دامانش سر عباس داشت

---

## فاطمیان

محسن اميري مقدم

ما فاطمیان گوش به یک فرمانیم  
بر سفره فضل و کرمش مهمانیم  
حک گشته به سرنوشت ما یا زهرا (س)  
زیر علمش تا به ابد میمانیم

---



## آتش به باغ

جواد محمدزمانی

خون است که روی خاک خشت افتاده است

داغ است به قلب سرنوشت افتاده است

خیزید و فرشته را به بیرون ببرید

آتش به در باغ بهشت افتاده است

-----

## اجر رسالت

غلامرضا سازگار (میثم)

از شعله نار، گل به احمد دادند

بر بانوی وحی تحفه بی حد دادند

ضرب لگد و غلاف تیغ و سیلی

اجری است که بر آل محمد (ص) دادند

-----

## منبر علی

غلامرضا سازگار (میثم)

مرگ آمده در محیط غم، ساحل من

بر حال علی هماره سوزد دل من

سخت است برای او که بیند هر روز

بنشسته به منبر علی قاتل من

-----

## دست پیغمبر

غلامرضا سازگار (میثم)

در سینه خصم، کینه حیدر بود  
ناموس علی فاطمه پشت در بود  
ماهی که گرفت حرمت قرآن داشت  
دستی که شکست دست پیغمبر بود

---

## نوای غم

محمد رضا سهرابی نژاد

نوای غم دلم دوشینه میزد  
سیاهی سایه بر آینه میزد  
دل من پابرهنه، اشکریزان  
پی تابوت زهرا سینه میزد

---

## اندوه تو

کوروش کیانی

تکرار تو کار هر شب پنجره‌هاست  
اندوه تو نیز مذهب پنجره‌هاست  
هر جمعه به خاطر ترک‌های دلت  
گلدان شکسته‌ای لب پنجره‌هاست

---

## ما نیز...

زکریا تفعلي

هر چند که خسته‌ایم چون پهلویت  
در سوگ نشسته‌ایم چون پهلویت  
امروز کجایی که بینی مادر!  
ما نیز شکسته‌ایم چو پهلویت

---

## شرم

سنا طرفه

یک روز به بازخواست برمی‌خیزند  
آنان که در انتظار رستاخیزند  
آن روز، به آبروی زهرا سوگند  
دیوار و در از شرم فرو می‌ریزند

---

## مدفن ناشناس

حمیدرضا شکار سري

مهتاب! شب هراس را پیدا کن!  
برگرد و شمیم یاس را پیدا کن!  
برگرد و برای گریه‌ها مان امشب  
آن مدفن ناشناس را پیدا کن!